

نقش قدرت دریایی در اقتدار ملی ج.ا. ایران

علی اکبر اخگر

چکیده

اهمیت بهره برداری از دریا و منافع آن نه تنها در جوامع بشری همواره مطرح بوده است بلکه در آیات و روایات متعددی در آموزه های دینی نیز مورد تاکید قرار گرفته است. توسعه دانش بشری در تهیه ابزارهای مورد استفاده در دریا، موجب دستیابی به سواحل دوردست گردید. ایجاد شبکه های ارتباطی از طریق دریا همانند شبکه های اجتماعی اینترنتی کنونی موجب برقراری ارتباط بین جوامع بشری گردید. این ارتباطات بتدریج از حالت سفرهای اکتشافی و تجاری منجر به ایجاد و اعمال قدرت از طریق دریا شد. کشور ج.ا. ایران با توجه به موقعیت ژئوپلیتیکی خود از نادرترین کشورهای جهان است که مجموعه ای از منابع و منافع راهبردی جهان را در بردارد. از آنجاییکه کشور ایران با توجه به سواحل گسترده در شمال در دریای خزر و در جنوب در خلیج فارس، دریای عمان و اشرافیت به اقیانوس هند یک کشور دریایی محسوب می گردد لذا بمنظور استحصال منافع خود لازمه دارا بودن یک قدرت دریایی متوازن با توسعه ملی می باشد. قدرت دریایی بخش مهمی از قدرت ملی است و در دریا نیز نشان دهنده اقتدار کشور است. توسعه سواحل جنوب شرق کشور با توجه به موقعیت و ویژگیهای آن و همچنین دسترسی آسان به آبراههای بین المللی از ضرورت های توسعه ملی و پشتیبان قدرت دریایی است. توجه به آمایش سرزمینی منطقه خصوصاً در سواحل مکران می تواند گامهای مهم و اساسی در این رابطه باشد.

واژه های کلیدی: قدرت دریایی، اقتدار ملی، ناوگان نظامی، دریای عمان و خلیج فارس، سواحل مکران

۱- مقدمه

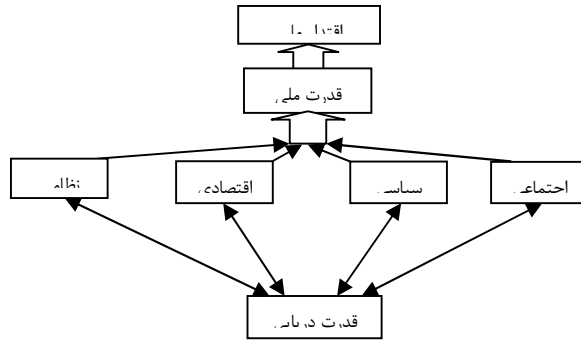
بهره برداری از منابع و منافع دریا از دیرباز مورد توجه جوامع بشری خصوصاً جوامعی که در کنار و یا نزدیکی دریا می زیستند بوده است. در آموزه های دینی آیات متعددی از اهمیت و یا چگونگی استفاده از آن مطرح گردیده؛ به عنوان مثال می توان به آیه ۱۴ از سوره نحل اشاره نمود که می فرماید «و هم او خداییست که دریا را برای شما مسخر کرد تا از گوشت ماهیان حلال آن تغذیه کنید و از زیورهای آن استخراج کرده و تن را بیارابید و کشتی ها را در آن برانید تا به تجارت و سفر از فضل خدا روزی طلبید، باشد که شکر خدا را بجای آورید». احادیثی از پیامبر عظیم الشان اسلام نیز در مورد حفاظت و پاسداری از ساحل و دریا روایت شده است. در حدیثی از ایشان نقل گردیده «اگر کسی در کنار ساحل و دریا، مرز دریایی را حفظ کند، بهتر است از عبادت هزار سال. یک شب حفاظت دریا افضل است از عبادت هزار سال» این حدیث را اهل سنت در کتاب کنز العمال نقل کرده اند.

با توجه به تحولات رو به رشد بشری در زمینه ابزار استفاده در تحرک و جابجایی در دریا، تولید و کسب تجربه و دانش بکارگیری ابزارهای گوناگون به منظور استحصال منابع طبیعی دریایی اعم از معدنی و غذایی، به سرعت توسعه یافته است و افزایش برد و فاصله گرفتن از سواحل و امکانات سفر به سایر سرزمین ها برای ایجاد ارتباط بین جوامع بشری و بهره گیری از منابع خدادادی را در سطح کره زمین فراهم ساخته است. شاید بتوان گفت اولین شبکه سخت افزاری جهانی، راههای ارتباطی دریایی بین جوامع بشری خصوصاً در دو سوی آب های اقیانوس ها بوده است و کشورهای مجاور دریا که از موقعیت خاص جغرافیایی بهره مند بوده اند همانند شبکه های وب کنونی با بهره گیری از شبکه ارتباطی دریایی اهداف اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و نظامی خود را دنبال کرده اند و با استفاده از نفوذگرها با اشکال گوناگون موجب رخنه و اعمال سلطه گری از طریق همین شبکه ارتباطات دریایی شده اند. در گذشته با استفاده از واژه به طرف دریا (Towards the sea) حضور و استفاده از منابع دریایی توجیه می گردید ولی در چند دهه گذشته قدرت های دریایی سلطه گر از واژه از دریا (From the sea) جهت اعمال قدرت به سایر سرزمین ها در تامین خواسته های خود بهره برداری می نمایند.

به عبارت دیگر موقعیت جغرافیایی کشورهای مجاور دریا با بهره گیری از ویژگی های خاص از یکسو و نیاز و انگیزش های حکومتی و ملت ها از سوی دیگر، موجب ایجاد تحرک و توسعه نه تنها در سرزمین خود گردیده اند که نمونه بارز آن مشاهده اکثر شهرهای توسعه یافته و پرجمعیت در کنار دریا است، بلکه موجب انتقال و اعمال قدرت به سایر سرزمین های دیگر نیز شده اند.

کشور ج.ا. ایران از جمله نادرترین کشورهای جهان می باشد که ضمن دارا بودن ۱۵ همسایه، از مولفه های خاص جغرافیایی در زمینه های ژئوپلیتیکی، ژئواکونومی، ژئوکالچری برخوردار است و بر دو منطقه دریایی و تنگه مهم راهبردی نیز در جهان اشرافیت دارد. لذا ج.ا. ایران نه تنها دارای نقش کلیدی در تحولات منطقه بلکه نقشی مهم در سطح جهانی خصوصاً در بعد منابع و خطوط انتقال انرژی که تپنده قلب صنعت کشورهای شرق و غرب است دارد. توسعه و ایفای نقش مقتدرانه در راستای تامین و صیانت از منافع و منابع حساس در محیط ملی و منطقه ای و جهانی

مستلزم توسعه و پیشرفت های جهشی در ابعاد و مولفه های تاثیرگذار در ارتقای قدرت دریایی که در ارتباط مستقیم با قدرت که همان اقتدار ملی است می بایست حرکت نمود (شکل ۱).



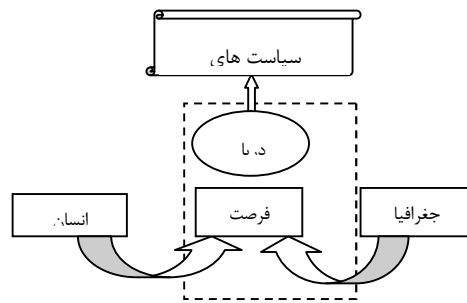
شکل ۱- نقش قدرت دریایی در عناصر قدرت ملی

۲- قدرت دریایی:

با نگاهی گذرا به مفهوم عام قدرت دریایی که نشانگر توانایی یک ملت در استحصال منافع بر حق خویش از دریا است در می یابیم که می بایستی به دو متغیر و ارتباط آن ها یعنی منافع و توانایی توجه نمود. اگر چه اغلب استراتژیست ها اصطلاح قدرت دریایی را با نام آلفرد ماهان از یکصد سال پیش پیوند زده اند ولی تاریخ ۵۰۰۰ ساله دریانوردی ایرانیان نشانگر تاثیرات مثبت و منفی نقش قدرت دریایی در توسعه قدرت ملی در مقاطع مختلف تاریخ بوده است که نمونه بارز آن توان و قدرت دریایی ج.ا. ایران در طی مدت هشت سال دفاع مقدس در خلیج فارس و دریای عمان در رابطه با حفاظت خطوط کشتیرانی خودی و حفظ منافع و قطع و ممانعت از فعالیت دریایی دشمن بوده است که به حول و قوه الهی با موفقیت انجام و هم اکنون نیز با قوت در سطح گسترده تری در اقیانوس هند ادامه دارد.

با توجه به روند تحولات سیاسی و اقتصادی کنونی و آینده انگاری خصوصاً در زمینه تامین و انتقال انرژی و تغییر ماهیت منازعات آبی، آیا می توان پیرو تمامی نظریات ماهان در مورد مولفه های قدرت دریایی و راهبردهای مرتبط با آن همچون گذشته پایبند بود؟ بعنوان مثال آیا حفظ و صیانت از منافع ملی و منابع حساس در دریا با اعمال کنترل دریایی در سراسر آبهای جهان و یا اقتدار تسلیحات دریایی بدون توجه به سایر عناصر قدرت ملی و شناخت و دارا بودن زیرساخت های قابل اتکا و تعامل با شرایط و تحولات بین المللی امکان پذیر است؟

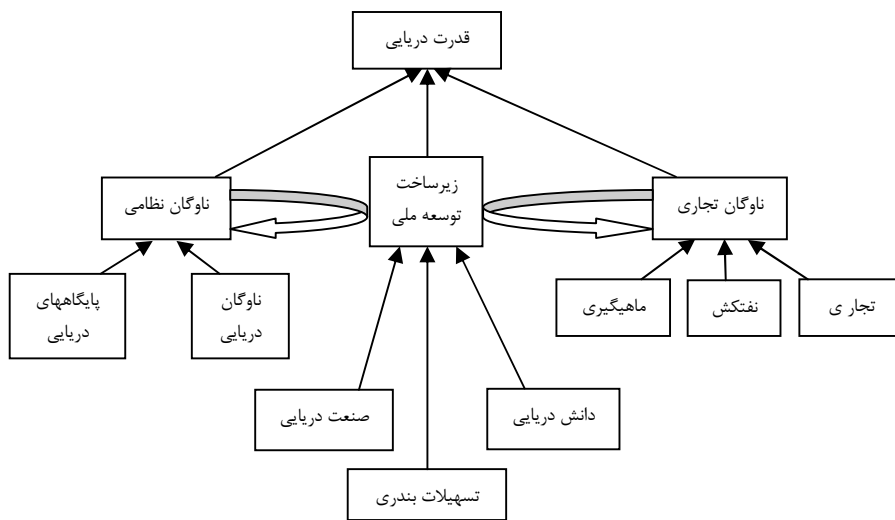
اگر اصول شکل گیری قدرت دریایی را منتج از دو عامل کلیدی جغرافیا شامل وضعیت شکلی طبیعی و وسعت سرزمین و چگونگی اشرافیت آن بر دریا و همچنین عامل انسانی اعم از جمعیت بعنوان ملت و رهبریت بعنوان حکومت دانست لذا استفاده از واژه جدید سیاست های دریایی و یا ژئوسی پالسی (Sea policy) به جای ماریتایم و مارین پالسی (Maritime/marine policy) و همچنین تفکر و اعمال راهبردهای نقش پذیر فرصت محور در صحنه و محیط بین الملل که می توان دریاهای آزاد و اقیانوس ها را بستر آن خصوصاً در زمینه های اقتصادی و نظامی دانست دور از انتظار نیست (شکل ۲).



شکل ۲- فرصت های بهره برداری از دریا

از این رو باید با توجه به نکات پیش گفته به این باور رسید که ایجاد و توسعه یک قدرت دریایی از ساحل به سمت دریا خواهد بود بعبارت دیگر با ایجاد زیرساخت های لازم در نقطه شروع با بهره گیری از دو عامل کلیدی سرزمین و انسان در قالب یک آمایش سرزمینی و به دنبال آن ایجاد آمایش استقراری با هدف توسعه و آبادانی ملی و ایجاد فرصت هایی با محوریت دریا می تواند زمینه ساز موفقیت هایی در ابعاد ملی، منطقه ای و جهانی برای کشور ما باشد.

قدرت دریایی در صحنه دریا فقط متکی بر عناصر دریانورد نبوده بلکه مجموعه هایی از عناصر قدرت ملی شامل سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی و نظامی یک ملت است که نمایش این عناصر در صحنه و محیط دریاها و اقیانوس ها به صورت تلفیقی از حضور ناوگان های تجاری و جنگی و صنایع دریایی فراساحل به معرض نمایش در دید افکار جهانی قرار داده می شود. این حضور می تواند نشانگر عزم و اراده و توان یک ملت که بازگوکننده قدرت و اقتدار آن است، باشد (شکل ۳).



شکل ۳- عوامل موثر در قدرت دریایی

تفکر و راهبرد قدرت های غربی از جمله امریکا در خصوص اهمیت دریا و قدرت دریایی نشأت گرفته از نظریات ماهان است که می گوید "هر کس می خواهد بر دنیا حکومت کند باید دریا را در سیطره قدرت خود داشته باشد" باید اذعان نمود اهمیت دارا بودن قدرت دریایی از جمله نکات قابل توجه در مباحث ژئوپلیتیکی و راهبردی ارائه شده می باشد. این مسئله تا آنجا اهمیت دارد که بسیاری از نظریه پردازان ژئوپلیتیکی و راهبردی معتقدند که بدون وجود دریا و قدرت دریایی هر کشوری به سرعت به نقطه تمایل برای تسلط دیگران تبدیل خواهد شد.

۳- حمل و نقل دریایی:

در زمانی که تجارت و حمل و نقل دریایی از یک سو و رویکرد روز افزون به استخراج منابع انرژی و معدنی از دریا از محور عمده فعالیت های دریایی است هر کشور برای تامین منافع خود بر قدرت دریایی خود به اشکال مختلف مستقلاً یا با واسطه افزوده و به آن توجه خاص می نماید. قابل ذکر است نقش و اهمیت بهره برداری از دریا در ارتقای قدرت روز به روز بیشتر شناخته می شود تا جایی که حتی قدرت های غیر دریایی از طریق الحاق

به سازمان های تجاری و اقتصادی منطقه ای و سرمایه گذاری در صنعت حمل و نقل دریایی خواهان کسب قدرت دریایی حتی به صورت نیابتی می باشند.

رشد علم و فناوری در دانش و صنعت دریایی و مهم تر از همه رقابت قدرت های نظامی در صحنه دریا ها در طی دو جنگ جهانی و دوران جنگ سرد و بدنبال آن مناقشات منطقه ای افزایش ناوگان ها دریایی خصوصاً نظامی، افزایش حجم ترافیک دریایی در حمل و نقل و تجارت دریایی و افزون شدن ادعاهای کشورهای مشرف بر دریا بر مالکیت هر چه بیشتر در فضا و سطح و زیر سطح دریای سرزمینی و ضرورت شناخت و بهره برداری از منابع زیر آب و زیر بستر دریاها و اقیانوس ها همگی بر ضرورت توسعه فعالیت ها در محیط دریا را دارد.

۹۳ درصد تجارت کشور از طریق دریا انجام می گیرد که این امر نشانگر میزان بالای وابستگی تجارت به صنعت دریایی در زمینه حمل و نقل و بهر گیری و استفاده از صنایع کشتی سازی می باشد. صنایع دریایی علاوه بر کشتی سازی شامل حوزه های دیگر نظیر صنایع فراساحل در زمینه استخراج نفت و گاز، ساخت شناورهای دریایی مختلف با کاربرد های گوناگون و همچنین کارخانه های تولیدکننده تجهیزات، ساخت بندر و پایانه های نفتی و بدنبال آن ارائه خدمات و امور وابسته نظیر موسسات مالی و بیمه ای و سایر موارد نیز است. از این رو توسعه صنعت دریایی علاوه بر آن که یکی از عوامل موثر و زیرساخت در قدرت دریایی است، نقش بسزایی نیز در اقتصاد کشور از نظر تولید در سایر صنایع و اشتغال زایی ایفا می نماید. از این رو صنعت دریایی که متشکل از بیش از یکصد صنعت است یک صنعت مادر در کشورها دریایی محسوب می شود. قابل ذکر است موقعیت های ایجاد شده امکانات وسیعی نیز را برای دولت فراهم می کند به طوری که امکان مانور و ابتکار عمل بیشتر را در سایر امور اقتصادی پیدا می نماید. ضمن آنکه دریاها در ارتباط با سطح و زیر سطح، حمل و نقل، منابع ثروت، بستر و زیربستر دریا علی الخصوص منابع غذایی آبرزی در آینده اهمیت فوق العاده ای پیدا می نمایند کشوری که دسترسی بیشتری به دریا داشته باشد یقیناً از قدرت بالاتری برخوردار خواهد بود [۱].

۴- توازن در ابعاد توسعه:

ایجاد توازن در مولفه های قدرت دریایی از اهمیت خاصی برخوردار است، لذا توازن در توسعه مولفه های ناوگان تجاری، نظامی و زیرساخت ها (مانند دانش، صنعت و تسهیلات زیربنایی مانند بندر تجاری، نظامی، ماهیگیری و غیره) می بایستی مورد توجه باشد. به عنوان مثال می توان به تناژ کشتی های تجاری ژاپنی و یا یونانی اشاره نمود که بیش از ۹۰ میلیون تن می باشد و از مجموعه تناژ کشتی های تجاری با پرچم امریکا و یا روسیه بیشتر هستند. حال آیا می توان این کشورها را یک کشور قدرتمند دریایی به حساب آورد یا خیر؟ اگر چه با کسب قدرت سیاسی، اقتصادی و نظامی ائتلافی تا حدودی می توان موجب ایجاد تعادل در توازن مولفه های قدرت دریایی؛ نظیر استفاده از ناوگان های تجاری سایر کشورهای هم پیمان، ائتلاف های حمایتی سیاسی و نظامی کشورهای قدرتمند دریایی گردید اما کسب چنین راه حلی موجب وابستگی و سلطه پذیری خواهد شد. قابل ذکر است همکاری های دو و یا چندجانبه با رعایت اصل تساوی حقوق خارج از موارد فوق الذکر است.

۵- توان رزمی دریایی:

ناوگان نظامی در حقیقت حافظ و اعمال کنندگان اصلی قدرت دریایی هستند. نقش اصلی و خاص یگان های نظامی دریایی در تحلیل نهایی، تسلط بر ارتباطات در دریاست. این تسلط شامل دفاع از ارتباطات خودی و توانایی قطع ارتباطات دریایی دشمن در صورت لزوم می باشد و هدف نهایی آن نیز از بین بردن مقاومت نیروی دشمن است. البته امروزه سیطره دریایی تا حدودی محدود شده، فناوری های نوین تسلیحاتی امکان تسلط بر دریا را از بین برده است و دیگر نمی توان از سلطه بر دریا برای استفاده انحصاری خود یا جلوگیری از استفاده دشمن از آن سخن به میان آورد و این امر فقط در معنای محدودی قابل توجیه است. ویژگی جنگ های آبی و گسترش و پیچیدگی صحنه های رزم در محیط های دریایی هرگونه عملکردی را از حالت قطعیت خارج می سازد. گفته می شود با توجه به فناوری های موجود خصوصاً در زمینه تسلیحات دریا پایه در فضا، هوا، سطح، زیر سطح و بستر دریا عامل اصلی قدرت در دریا دیگر به تنهایی قادر به ایفای نقش خود نیست.

بدیهی است همان گونه که راهبرد دفاع ملی از راهبرد توسعه ملی کشور تفکیک ناپذیر است و توسعه ملی سبب پیشرفت دفاع ملی می شود و دفاع ملی از توسعه ملی محافظت می نماید از این رو در بحث قدرت دریایی بایستی اذعان نمود راهبردهای قدرت دریایی کشور نیز نمی تواند از سایر راهبردهای توسعه ملی خصوصاً در زمینه توسعه زیرساخت های دریایی تفکیک پذیر باشد.

۶- نگاهی به آینده:

با بررسی تحولات و بحران های چند دهه اخیر در دریا خصوصاً در هشت سال دفاع مقدس در خلیج فارس و دریای عمان، جنگ دریایی انگلستان و آرژانتین، عملیات های نیروهای دریایی منطقه ای و فرمانطقه ای در خلیج فارس علیه نیروهای رژیم بعث عراق و ایجاد مزاحمت های دریایی ناشی از پدیده های مختلف منجمله تروریسم دریایی و همچنین با نگاهی آینده پژوه به محتمل ترین تحولات آتی، تفکرات و راهبردهای کشورهای صاحب توانایی حضور در دریا، مبتنی بر توسعه اهداف ملی و امنیتی خود، با گسترش و اعمال قدرت در دریا به منظور تامین امنیت دریایی خود می باشند.

به عنوان مثال می توان به راهبردهای دریایی آتی امریکا در اقیانوس آرام و هند، کشور هندوستان در اقیانوس هند و توسعه و گسترش نیروهای دریایی کشور چین و کره جنوبی اشاره نمود.

علیرغم تحولات عظیم در صنعت حمل و نقل دریایی، هوایی و زمینی و انتقال منابع انرژی از طریق حامل های مختلف کماکان این صنعت در امر تجارت و انتقال انرژی در اولویت بالایی در چند دهه آتی به همراه فرصت ها و تهدیدات خود قرار خواهد داشت. در سال ۲۰۱۰ تقاضای جهانی برای مصرف نفت ۸۰/۳ میلیون بشکه در روز بوده است که برآورد می گردد با نرخ ۰/۹ این مصرف تا سال ۲۰۲۰ به مقدار ۹۰/۲ میلیون بشکه و در سال ۲۰۳۰ به ۹۸/۴ میلیون بشکه در روز افزایش یابد [۳]. قدر مسلم انتقال و چرخش این میزان مواد، صرفه نظر از جابجایی سایر کالاهای تجاری دیگر بین کشورها در خطوط دریایی که ارزان ترین راه انتقال از طریق دریا است. در حال حاضر تردد بیش از ۱۷۰۰۰ فروند کشتی از تنگه هرمز و یا تردد ۳۰۰۰۰ فروند در منطقه شمال اقیانوس هند در سال، تصور حجم بالایی از ترافیک دریایی خصوصاً در آبراه های محدود در آینده را با خود به همراه خواهد داشت. این ترافیک دریایی می تواند به عناوین مختلف مورد تهدید و یا در بخش هایی از خطوط کشتیرانی به دلایل سیاسی و یا نظامی، متوقف و یا مورد تعرض قرار گیرد.

۷- نقش جنوب شرق کشور در ارتقای قدرت دریایی:

اهمیت یک منطقه جغرافیایی زمانی مطرح می گردد که بتوان نقش تاثیرگذاری در بهره برداری از منابع و یا ایجاد تسهیلات در ابعاد اقتصادی، سیاسی و نظامی را عنوان نمود. از سوی دیگر اعمال محرومیت های اقتصادی و یا دفاعی و امنیتی موجب تاثیرگذاری در توان و قدرت ملی گردد. موقعیت سواحل جنوب شرق کشور به طول تقریبی ۷۸۰ کیلومتر برای فعالیت های اقتصادی از پتانسیل های فراوانی برخوردار است [۲]. افزایش سطح تجارت دریایی، دسترسی آسان و سریع به مسیرها و خطوط دریایی، ارائه خدمات دریایی، کاهش فاصله ۱۷۰۰ کیلومتری که موجب تقلیل زمان و هزینه در انتقال کالا در مسیر دریای عمان و خلیج فارس و تسریع در امر ترانزیت کالا در مسیر جنوب به شمال از عوامل و فرصت های اقتصادی می باشد. همچنین با توجه تحولات چند دهه اخیر در منطقه در زمینه مسائل انتقال انرژی با تاسیس پایانه های نفتی در خارج از خلیج فارس و همچنین با نگاهی به آینده اهمیت این منطقه نه تنها از منظر توسعه ملی در ابعاد مختلف مطرح است بلکه ضرورت تامین زیرساخت های ضروری توسعه قدرت دریایی خصوصاً در زمینه توسعه صنایع دریایی در قالب ساخت و تولید تجهیزات و گسترش دانش دریایی همچنین توجه به مسائل دفاعی و امنیتی منطقه ای را امری غیرقابل اجتناب می نماید که منطقه چابهار و به طبع آن سواحل مکران را بعنوان قطب منطقه جنوب شرق کشور تبدیل به یک موقعیت راهبردی نموده است.

قابل ذکر است علیرغم اجرای طرح ۲۵ ساله توسعه اقتصادی منطقه چابهار که از دهه ۷۰ آغاز گردیده انجام بعضی از اقدامات زیربنایی احتمالاً به دلایل معضلات ناشی از وسعت منطقه استانی و عدم ایجاد خطوط ارتباطی مطمئن و آسان و مناسب دریایی، زمینی و هوایی با مشکلاتی مواجه نموده است.

شناخت پتانسیل ها و ظرفیت های موجود نظیر تولید و استفاده از انرژی های طبیعی نظیر خورشیدی و آبی خصوصاً در امر کشاورزی و در صورت امکان بازننگری در ساختار اداری به علت دوری منطقه چابهار و سواحل مکران از مرکز استان به منظور تسریع در انجام امور از منظر طراحی، اجرا و نظارت می تواند راهگشای سریع توسعه در این منطقه از کشور باشد.

حضور و استقرار یگان های نیروی دریایی راهبردی ارتش ج.ا. ایران در سواحل جنوب شرق کشور به منظور صیانت از منافع ملی و منابع حساس ضرورت تحرکی مضاعف را در توسعه این منطقه می طلبد.

۸- نتیجه گیری:

موقعیت جغرافیایی کشور ج.ا. ایران در جنوب غرب آسیا یکی از نادرترین و بارزترین موقعیت های راهبردی در جهان می باشد. این موقعیت با توجه به منابع نفت و گاز موجود و اشرافیت بر خلیج فارس و دریای عمان و مهمترین تنگه راهبردی جهان موجب گردید که چنانچه در گذشته از دیدگاه اسپایکمن ژئوپلیتیسین معروف که منطقه ایران و خلیج فارس را در ریملند (حاشیه قلب زمین) قرار داده بود لوزان ژئوپلیتیسین جدید در سال ۱۹۹۴، خلیج فارس و اقیانوس هند را قلب زمین در امر ژئوپلیتیک اعلام می دارد و این امر نشانگر اهمیت روزافزون منطقه خلیج فارس و دریای عمان و اقیانوس هند در معادلات سیاسی، اقتصادی و امنیتی جهان می باشد.

مجاورت کشور ایران در کنار دو حوزه دریایی مهم و دومین اقیانوس پهناور جهان با دارا بودن حدود ۳۰۰۰ کیلومتر ساحل دریایی بدون شک کشوری است دریایی با ویژگی های خاص جغرافیایی، زمینه ساز ایجاد یک قدرت دریایی نه تنها منطقه ای بلکه جهانی می باشد. با اعتقاد به این امر می بایست توانایی و قابلیت استحصال منافع خود از دریا و حفظ و حراست آنها را دارا بود.

شالوده اعمال قدرت دریایی مستلزم برقراری ارتباط و توازن بین عوامل ایجاد و مولفه های آنها می باشد. لذا پشتیبان و توسعه ناوگان های تجاری و نظامی و صنایع فراساحلی بدون ایجاد زیرساخت های ملی خصوصاً در دانش و صنایع امکان پذیر نمی باشد. وجود سواحل پر برکت مکران در کنار

دریای جنوب (دریای عمان) و اشرافیت و دسترسی آسان آن بر اقیانوس هند فرصتی مضاعف در توسعه و آبادانی سواحل کشور و همچنین پشتیبان قدرت دریایی که زمینه ساز اقتدار ملی در صحنه بین الملل است خواهد بود.

۹- مراجع

- [۱] حافظ نیا، محمد رضا (۱۳۸۳) ژئوپلیتیک، سمت تهران
- [۲] رستمی، علی اکبر، مقاله نشریه شماره ۸۰ خلیج فارس و امنیت
- [۳] گزارش OWEM دبیر خانه اوپک ۲۰۱۰